

درس سه

## تعریف فلسفه

فلسفه عبارت است از تلاش و کوشش برای فهم علت حقیقی رویدادها و درک مبانی و اصول علوم تجربی و انسانی

نگاه فلسفی نگاه ریشه یاب است و فیلسوف میکوشد تا از ظاهر پدیده هافراتر رفته و آنها از درون و باطن بشناسد

نکته: هر علمی در یک زمینه خاص (مطالعه) و تحقیق می کند برای مثال: در علم ریاضی تمام اشیا از جهت کمیت و مقدار بررسی میشود

در فیزیک تمام اشیا از نظر خواص ماده مثل سردی و گرمی و حرکت و سکون بحث می شود  
در زیست شناسی تمام موجودات زنده از آن حیث که زنده اند مورد بررسی قرار می گیرند  
در فلسفه اولی: تمام موجودات از آن جهت که هستی دارند

(وجود دارند) مورد بررسی قرار می گیرد

### تعریف فلسفه اولی یا ما بعد الطبیعه

علم به احوال موجودات از جهت وجود داشتن آنها نه از آن جهت که کمیت دارند

### مسائلی که در فلسفه ی اولی مطرح می شود عبارت اند از

هستی و چیستی (وجود و ماهیت) در وجود بحث از هستی و بودن و نبودن است ولی ماهیت چیستی و ویژگی های ذاتی یک شیء است

بحث علت و معلوم ( رابطه ی علیت ) اینکه هر معلومی علتی دارد. این رابطه به اصل هستی برمی گردد و یا مربوط به یکی از خصوصیات هستی است

بحث و وحدت و کثرت: یکی از بحث های ما بعد الطبیعه این است که در میان موجودات هم وحدت میبینیم و هم کثرت مییابیم .

(اگر کثرت در کار نبود نمی توانستیم اشیا را از یکدیگر جدا کنیم و اگر وحدت نبود نمی توانستیم میان اشیا همانندی و مشابهت تشخیص دهیم و آنها را دسته بندی کنیم

**مهمترین مصداق فلسفه :** هستی و وجود:حقیقی ترین و اصلی ترین مبنایی است که همهی خصوصیات اشیا و پدیدهها به آن باز می گردد

هستی شناسی یا بعد الطبیعه یا فلسفه ی اولی:یعنی شناخت مطلق وجود پس مهمترین مصداق فلسفه فلسفه اولی است و فلسفه ی اولی سراسر هستی را مورد مطالعه خود قرار می دهد تا به تبیین عقلانی احکام آن بپردازد.